



اولین تصویر و گفت‌وگو با مردی که عکس او با جنازه دو پسرش
به نماد زلزله مهیب بم تبدیل شد و جهانیان را به کمک بم فراخواند

غریبانه، پدرانه

بازنشر این گفتگو که توسط محمدجواد رحیم نژاد سردبیر طلوع بم انجام و در تاریخ ۵ دی ۱۴۰۱ در روزنامه شرق منتشر شده را در صفحه ۳ بخوانید

Email: Tolu_Bam@yahoo.com
www.TolueArg.ir

هفته نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی استان کرمان
سال یازدهم | شماره ۳۰۲ | سه شنبه ۱۳ دی ۱۴۰۱ | قیمت: ۲۰۰۰ تومان



احیای ارگ بم به ۹۰ درصد رسید

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان گفت: پس از گذشت ۱۹ سال از زلزله بم اینک ۹۰ درصد از کار بازسازی ارگ بم به پایان رسیده و می‌توان گفت که این بنا با وجود ویرانی برجامانده پس از زلزله، اکنون احیا شده است.
صفحه ۲



عکس: طلوع بم - محمد حسین خراسانی



انتظار افزایش نوسازی و مقاوم سازی بناها بعد از برگزاری پویش «بم، سفیر نوسازی برای ایران قوی» زلزله بم

دبیر ستاد ملی بازآفرینی شهری پایدار، کاهش زمان صدور پروانه به دو ماه، تخفیف ۵۰ درصدی در صدور پروانه‌ها، استفاده از وام قرض الحسنه ودیعه مسکن در زمان نوسازی، استفاده از تسهیلات ارزان قیمت نهضت ملی مسکن و تسهیلات ویژه نوسازی را از جمله مشوق‌هایی دانست که شهروندان می‌توانند هنگام نوسازی واحدهای مسکونی خود از آن‌ها استفاده کنند؛ پویش جهادی «بم سفیر نوسازی برای ایران قوی» در ۳۵ شهر کشور برگزار شد.

صفحه ۴

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بم عنوان کرد:

بم و شرق استان یک حوزه حاصل خیز فرهنگی، هنری است



نشست هم اندیشی اهالی فرهنگ و هنر با حضور محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با همراهی سردار باقرزاده فرمانده کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح، محمد فداکار استاندار کرمان، حجت الاسلام غضنفر آبادی نماینده مردم شرق استان، حجت الاسلام دانشی امام جمعه، مدیرکل ارشاد استان و دیگر مسئولین شهرستان پنجشنبه هشتم دی ماه در محل سالن اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بم برگزار شد.

صفحه ۲

جناب آقای فضیلت اله درجانی ریاست محترم اداره مخابرات شهرستانهای شرق استان کرمان

کیفیت بالای فعالیت جنابعالی به عنوان ریاست اداره؛ عامل ایجاد انگیزه در پرسنل برای تلاش در جهت پیشبرد هر چه مطلوب تر امور اداره شده است. قدردانی از زحمات همه جانبه جنابعالی در جهت آبادانی و توسعه ی ارتباطات ممکن نیست. مثل همه ی درختان که برای رشد به آب و همه ی انسان ها که برای زندگی به هوا احتیاج دارند، ادارات و شرکتهای هم برای زنده ماندن و پیشرفت به رئیسانی مانند شما احتیاج دارند.

از طرف جمعی از پرسنل اداره مخابرات

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بم عنوان کرد:

بم و شرق استان یک حوزه حاصل خیز فرهنگی، هنری است



مطرح کردند احداث سینما در شرق استان، برگزاری جشنواره‌های فیلم، عکس و فرهنگی-هنری، اردوهای فیلم‌سازی کشوری، آموزش برای اهالی انجمن سینمای جوانان، تامین تجهیزات سینمایی، تخصیص بودجه برای تولید فیلم و بیمه هنرمندان بود که وزیر نیز در انتها به مسائل مطرح شده پاسخ داد و تاکید کرد که در حضور میدانی زمینه رفع مشکلات بهتر و بیشتر فراهم می‌شود. وی اظهارداشت: که وزارتخانه در برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری در شرق استان بویژه بم و نیز تکمیل طرح های نیمه تمام این بخش

شد. وی در حوزه صنعت چاپ اظهار کرد: امیدواریم جشنواره ویژه ای را برای صنعت چاپ برای این منطقه در سالهای آتی در نظر بگیریم همچنین در حوزه هنرستان هنرهای زیبا اگر مرحله ساخت آن انجام شده و نیاز به امکانات دارد حتما این کار را انجام دهید. سیاست دولت این است که در هر استانی حداقل یک هنرستان دخترانه و یک پسرانه راه اندازی شود بنابراین اگر نیاز به اعتبار دارد اقدامات لازم را انجام دهید.

نشست هم اندیشی اهالی فرهنگ و هنر با حضور محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با همراهی سردار باقرزاده فرمانده کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح، محمد فداکار استاندار کرمان، حجت الاسلام غضنفرآبادی نماینده مردم شرق استان، حجت الاسلام دانشی امام جمعه، مدیرکل ارشاد استان و دیگر مسئولین شهرستان پنجشنبه هشتم دی ماه در محل سالن اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بم برگزار شد.

به گزارش طلوع بم، محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد وزیر اسلامی ضمن گرامیداشت زلزله بم گفت: امیدواریم بتوانیم در این سفر بخشی از مشکلات حیطه فرهنگ و هنر و رسانه را برطرف کنیم؛ دولت رویکرد مردمی دارد و تلاش می‌کند مسائل را در صحنه حل کند.

وی افزود: در تلاش هستیم که به مجتمع های باقیمانده چند ساله ای که در شرق استان هست، اعتبارات تخصیص پیدا کند و همه را در شهرستان های فهرج، ریگان و بم مورد بهره برداری قرار خواهیم داد و بنا بر این است که مشکلات را در اسرع وقت حل کنیم. در سفر استانی رئیس جمهور به همه مراکز و مؤسساتی که بخشی از ساخت پروژه آنها انجام شده بود اعتبار تعلق گرفت.

وی در خصوص مسائل مطرح شد ادامه داد: بم و شرق استان یک حوزه حاصل خیز فرهنگی هنری است و بزرگانی دارد که هرکدام از آنها تاریخ مهمی از افتخارات این خطه را در حوزه های مختلف سینما، شعر، تئاتر روایت کردند و این باعث می‌شود که هر چقدر در این منطقه سرمایه گذاری کنیم منجر به نتایج بالا خواهد شد.

وی تاکید کرد: بحث آموزش های رایگان هنری که



وی در زمینه مشکلات مربوط به تماشا خانه تشریح کرد: بهتر است این مهم را نیز برآورد کنند تا در همین سفر اعتبار به آن تعلق گیرد.

در خصوص صندوق هنر و بیمه رسانه ای آنها هم اقدام خواهد شد و افرادی که استحقاق آن را دارند عضو صندوق هنر خواهند شد. در حوزه موسیقی نواحی و تئاتر فیلم شعر و ادبیات در همه این بخش ها آمادگی داریم و حتی می‌توان جشنواره ای را ویژه این منطقه پیش بینی و برپا کرد.

وی در خصوص کتابفروشی ها گفت: در کتابفروشی ها سیاست جدی دولت حمایت از ایجاد و توسعه کتاب است و کتابفروشی ها نمادهای فرهنگی شهرهای ما هستند در نتیجه باید تقویت شوند.

وی در ادامه تصریح کرد: اینجا منطقه ای با نشاط ، بااقتدار با هویت است که مجددا رویش پیدا کرده و امروز بم مثل نگینی درخشان در حوزه فرهنگی کشور می‌درخشد.

لازم به ذکر است، در این نشست شماری از اهالی فرهنگ و هنر به نمایندگی از سایر همکارانشان به تشریح مشکلات و درد دل های خود در حضور وزیر پرداختند و مهمترین محورهایی که این افراد

برای ۱۰۰ هزار نفر شروع شده را حتما دنبال کنید چون این آموزش ها تا مهارت آموزی کامل ادامه خواهد داشت.

وی در خصوص اعتباراتی که برای بم و شرق استان در نظر گرفته خواهد شد گفت: برای این منطقه اعتبارات ویژه ای را در نظر خواهیم گرفت تا بتوان در بخش های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. در حوزه سینما هم تفاهم نامه خوبی در استان منعقد و پیش بینی های خوبی شده است.

وی بیان کرد: در حوزه مربوط به تکمیل حوزه تئاتر و استودیو در این مکان برآورد آن در همین سفر انجام و به آن اعتبار اختصاص می‌دهیم تا چند مطالبه عالی و فوری اهالی فرهنگ و هنر شهرستان را در همین سفر برآورد و تخصیص بودجه آن را انجام دهیم.

وی در خصوص حوزه فعالین قرآنی اظهار کرد: ما در زمینه فعالیت های قرآنی طرح آموزش قرآن را در استان های متعدد کشور شروع کردیم و کاملاً موفق بوده است. امیدواریم این طرح در این منطقه هم تا پایان سال اجرا شود و شاهد رونق این فعالیتها باشیم. کسانی که مؤسسات و کانون های قرآنی دارند برای آنها هم در همین سفر اعتباراتی در نظر گرفته خواهد

-آموزش و پرورش فهرج

سلام یک انتقادی از مسئولین آموزش و پرورش فهرج داشتم چندین سال قبل بود مردم بشکه میبردن جلو جایگاه نفت میگرفتن ولی آموزش پرورش امسال یاد گذشته کرده که مدیران مدارس بشکه ببرن جلو جایگاه نفت بگیرن در صورتی جایگاه کرایه نفت میگیره چرا مسئولین آموزش پرورش فهرج به عقب برگشته جای سوال مییاشد

-کمبود مسکن

سلام خسته نباشید سوالم اینه مسئولانی که میگن چرا مردم در زمینهای باغی میسازند چرا تو فکر احداث شهرک های مسکونی جدید واسه بم نیستند وقتی محدودیت ارتفاع هم داریم شما جیرفت نگاه کن از ۱۵ سال پیش تا امروز چقدر شهر رو واسه مردم شون گسترش دادند چقدر زمین واگذار کردن هر سال یه محدوده جدید واسه ساخت ساز! اونوقت بم از زلزله تا امروز هیچی واقعا دلتون واسه مردم اگه میسوزه دلتون واسه شهر میسوزه تو فکر واگذاری زمین های سمت دانشگاه آزاد به مردم باشید.

طلوع بم: در سال گذشته و با تلاشهایی که شد ۷۳ هکتار زمین حنب دانشگاه آزاد به محدوده شهر بم اضافه شد که به طرح مسکن ملی اختصاص داده شده اما این طرح با سرعت بسیار کندی در بم پیش می‌رود و حتی فازهای قبل از این شهرک هم متأسفانه هنوز بلاتکلیف هستند. مثلاً فاز ۳ خیابان ابوالفضل که دو سال است پول مردم گرفته شده اما خبری از اجرایی شدن پروژه نیست.

-شهرداری بم

سلام خسته نباشید کارکنان محترم جمع آوری آشغالهای کوچه های خیابان کوثر برای جمع آوری آشغالها خیلی دیر وقت میان و سگهای ولگرد اشغالها رو تو کوچه پخش میکنن (ساعت یک شب به بعد برای جمع اوری می آیند)

-شهرداری بروات

سلام خسته نباشید از شهرداری بروات تقاضا داریم به پاکیزگی شهرک مهر اکبرآباد رسیدگی کنند، کوچه ها پر اشغال شده و محل تجمع سگها

-آب بروات

دروود و وقت بخیر لطف میکنید در هفته نامه برای مشکل آب بروات هم بیان کنید! مخصوصاً قسمت بلوار معلم (جنوبی)، والا اینجا هیچ مسئولی نیست رسیدگی کند، تماس هم میگیریم میگن کم آبی هست،البته فقط برای مردم !!! برای ظرف شستن و لباس شستن بیش از دو ساعت باید وقت بذاریم و آب فشاری ندارد



حمایت خواهد کرد.

گفتنی است پس است این نشست وزیر ارشاد بم را به مقصد جیرفت برای بازدید از پروژه ساختمان در حال احداث اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی جنوب، حضور در جلسه شورای اداری شهرستان جیرفت و حضور در همایش یادمان ولایت ترک کرد.

گزارشی از برگزاری فصل دوم محفل ادبی عصرهای شاهنامه

فصل دوم شاهنامه خوانی بم با همراهی استاد محمد علی علومی، نویسنده و اسطوره شناس شهیر بمی در آذرماه ۱۴۰۱ در حالی شروع شد که وارد یکی از بهترین و خاص ترین داستان های شاهنامه شده ایم. این جلسات که هر دوشنبه در محل فرهنگسرای شهرداری بم در ساعت چهار بعدازظهر و با حمایت های شهردار محترم بم در حال برگزاری است، تا کنون پنج محفل خود را با حضور علاقه مندان به شعر و ادب و حکمت پشت سر گذاشته است. در ادامه خلاصه ای از داستان هایی که در جلسات فصل دوم خوانده شده است را به اختصار بیان خواهیم کرد.

نبرد رستم و اسپندیار یعنی شکست ایران؟

بهنام خدانشناس: داستان رستم و اسپندیار یکی از تلخ ترین داستان های شاهنامه است. تراژدی دردناکی که با مرور داستان های قبل و آگاهی از روند شکل گیری این رخداد می توان چرایی این تلخکامی را بر ایرانشهر بهتر درک کنیم. محمد علی علومی در رابطه با تراژدی بیان می کند که زمانی تراژدی شکل می گیرد که دو نقش و شخصیت داستان مثبت باشند و در این داستان رخداد بین دو پهلوان ایرانی است که هر دو نقش مثبت و سودمندی برای ایران دارند. در حقیقت رویارویی این دو پهلوان ایرانی منفعت طلبی و قدرت خواهی شاهنشاه گشتاسپ است که ایران را در گیر می کند. در فصل اول شاهنامه خوانی که در محل ارگ باستانی بم برگزار شد، پادشاهی لهراسب و گشتاسپ و هفت خوان اسپندیار مرور شد. در آخر آن فصل، اسپندیار بعد از پیروزی بر هفت خوان و کشتن ارجاسپ، به ایران باز گشته است و مثل دفعه های قبل، در دربار پادشاه نشانه ای از وعده گشتاسپ و تاج بخشی به اسپندیار نیست.

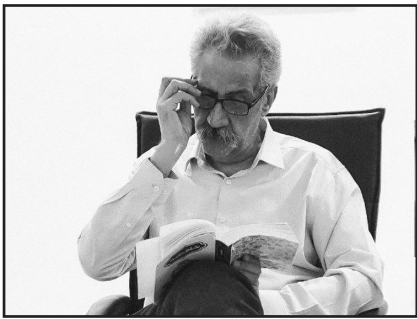
در جلسه اول فصل دوم شاهنامه خوانی که در تاریخ هفتم آذرماه هزار چهارصد و یک در محل فرهنگسرا برگزار شد اسپندیار به صورت قهر نزد مادرش کتایون می رود و ضمن گلایه های تند قصد دارد که به زور شمشیر پادشاهی را تصاحب کرده و مادرش را باتنوی ایران شهر کند. کتایون از این تصمیم پسر و شاهزاده ناراحت شده و ضمن اشاره به اسپندیار که تو صاحب سپاه و گنج کشوری و همچنین ولیعهد هستی و فقط تاج نلداری و طبیعی است که بعد از پدر، شاه خود شمای تو توصیه می کند از این تصمیم کوتاه بیاید. گرچه اسپندیار از این نصیحت خوشش نمی آید و حتی به مادرش توهین می کند اما تصمیم قبلی اش را عملی نمی کند و فقط دو روز و دو شب به محضر پدر نمی رود. گشتاسپ از حال و روز اسپندیار و تاج خواهی او باخبر شده و جاماسب وزیر پیشگو خودش را فرامی خواند و از او می خواهد سرنوشت اسپندیار را باز گو کند. و به گشتاسپ بگوید که آیا اسپندیار به پادشاهی می رسد یا مرگ او را خواهد گرفت؟ به مرگ طبیعی می رود یا به دست کسی کشته می شود؟ جاماسب وقتی آینده اسپندیار را می بیند غمگین و برآشفته آرزوی مرگ می کند تا اینکه همچنین خبری را بدهد و در نهایت به خواست و اصرار گشتاسپ اعلام می کند که مرگ اسپندیار در زابل به دست رستم است و فراری از این تقدیر و سرنوشت نیز نیست. گشتاسپ به ظاهر اندوهگین و آشفته می شود. اما...

در ادامه داستان، در تاریخ چهاردهم آذرماه ۱۴۰۱، شاهزاده و سپهسالار ایران، اسپندیار، بعد از دو روز قهر آمیز و غیبت از حضور در بارگاه گشتاسپ شاه و به دست آوردن آرامش نسبی به نزد پدر می رود. بعد از عرض ارادت و خاکساری به محضر شاه، این بار بر خلاف دفعه های قبل، اسپندیار داستان رشادت و دلآوری های خود را به وضوح بیان می کند و می گوید که چه رنج و خون دل ها خورده است. او به شاه گشتاسپ اشاره می کند که هر بار وعده تاج و تخت داده و هیچوقت به وعده خود عمل نکرده است. و وی از بابت این وعده ها و البته جنگاوری های زیادی که با این پادشاه انجام داده است، پیش سپاه و لشکر خود شرمسار است و طعنه و کنایه هایشان آبرویش را در خطر قرار داده است. گشتاسپ با تعریف از شاهزاده جوان و بدون پرداختن به دغدغه های او، وارد برنامه جدید خود شده و موضوع رستم زال را پیش می کشد. او می گوید که رستم آن طور که شایسته است دین خود را به دربار ادا نمی کند و حکمرانی

بررسی سبک داستان نویسی محمدعلی علومی در جدیدترین اثر علی اصغر شیرزادی

نویسنده های شش دانگ با نثری متشخص، بالاتر از مدعیان و مستقل از باندهای ادبی

خود را قدیمی تر از پادشاهی ما می داند. دستور می دهد که باید رستم، برادر، پسر و خاندانش را به اسارت پیش من آوری تا درس عبرتی باشد. اسپندیار از این تصمیم جدید گشتاسپ تعجب کرده و می گوید اگر جنگی باشد باید با بیرون مرزها و با چین و اعراب باشد. درضمن چرا جنگ با رستم؟ او که خود از این سرزمین است؟ از زمان قدیم امنیت کشور به دست رستم و خاندانش بوده، او تاجبخش شاهان است، در حال حاضر نیز که پیر و کهنسال است و مهم تر اینکه او عهد و منشور پادشاهی را کیخسرو دارد. گشتاسپ در جواب حرف های اسپندیار با منحرف کردن موضوع، به داستان



کیکاووس می پردازد که چطور فریب دیو و شیطان را خورد و این سرزمین را به سمت نابودی کشاند. و می گوید که آیا منشور همچین پادشاه از خدای برگشته مورد تایید است؟ بنابراین به اسپندیار تکرار می کند که سلاح و گنج بردار و رستم و خاندان او را اسیر پیش من آور. باید یادآوری کرد که اصلا منشور پادشاهی رستم از کیخسرو بوده و ربطی به کی کاووس نداشته است. با این گفت و گو، اسپندیار، با هوش خود متوجه موضوع شده و به پدر می گوید که هدف تو رستم نیست و قصد داری پادشاهی را به من ندهی و مرا از سر راه برداری. من از خیر تاج و تخت گذشتم اما فرمان تو را گوش می سپارم و بلون سپاه و لشکر رهسپار زابل می شوم. اگر تقدیر و مرگ من بر این باشد نیازی به سپاه هم نیست. مادر اسپندیار، کتایون از این موضوع باخبر شده و آه کشان و دل نگران، در کنار پسرش خلاصه ای از رستم و رشادت هایش را باز گو می کند و می گوید ننگ بر چنین تاج و تختی باد. او سعی می کند با این صحبت ها اسپندیار را از رفتن منصرف کند. یا حداقل مانع از بردن کودک کان به این کارزار شود اما اسپندیار تصمیم خود را گرفته و قصد رفتن به زابل با فرزندان خود را دارد.

در داستان های قبلی صبر و آرامش را از اسپندیار به یاد داریم. اینکه بر خلاف شاهنشاه هیجان های خود را کنترل می کند و از دید سپاه و اطرافیان شایستگی بیشتری برای پادشاهی دارد. اما این بار چهره دیگری از اسپندیار را شاهدیم بطوریکه که بر مادر خود نیز خشمگین می شود. شاید سوال پیش بیاید که چرا اسپندیار با این هوشمندی و درایتی که دارد تن به خواسته های حتی اشتباه شاه می دهد. علومی جواب می دهد که اسپندیار شاهزاده برگزیده دین زرتشت است و جنگاوری های فراوانی برای اشاعه این آیین انجام داده است. طبق آیین وی اطاعت از فرمان شاه لازم است و روی برگردن از امر وی عقوبت دنیایی و اخروی دارد. بنابراین بارها شاهد بود با اینکه اسپندیار با نظر شاه گشتاسپ موافق نبوده و رضایت نداشته اما با همین دلیل فرمان وی را اطاعت کرده است. در ادامه داستان که در تاریخ بیست و یکم آذرماه ۱۴۰۱ در محل فرهنگسرا خوانده شد.

اسپندیار راهی زابل می شود. در بین راه به دوراهی زابل و دز گنبدان (محل اسارت وی در زمان گذشته) می رسد. شتر

جلودار کاروان بین این دو راهی می نشیند و حاضر به حرکت نیست. اسپندیار این حرکت را به بد شگونی می گذارد و دستور می دهد شتر را سر برند تا از این فال بد رهایی یابند. کاروان تا نزدیکی هیرمند می راند و همان جا خیمه گاهی برپا می شود. به رسم همیشگی بساط یزم و شادی برپا شده و در این حین اسپندیار اعلام می کند که می خواهد از فرمان پدر سرپیچی کرده و خود به سوی رستم نرود. تصمیم می گیرد که فرستاده ای راهی کند و موضوع در بند کردن رستم را به آرام ترین شکل به گوش رستم برساند. پشتون، برادر و مشاور اسپندیار این تصمیم را تایید می کند. اسپندیار پسرش بهمن



را برای این کار انتخاب می کند و به او توصیه می کند که بهترین جامه های خود را خسروی وار بر تن کرده و راهی این ماموریت مهم شده و با زبانی نرم و خوب پیغام را به رستم برساند.

اسپندیار قصد دارد به دور از جنگ و خونریزی این ماموریت خیلی مهم را به سرانجام برساند. بهمن را فرما میخواند و پیغام خود به رستم را بدین شرح به او می سپارد. «ضمن عرض ارادت و خاکساری خدمت پهلوانی که ایران از زمان پادشاهان قدیم به رشادت های او و خاندانش آباد و شاد و ایمن است، باید گفت که با به پادشاهی رسیدن لهراسب و بعد از او پسرش گشتاسپ، بهترین شاه زمان که ضمن رشادت های فراوان، با پذیرفتن دین بهی (زرتشتی) راه تازه ای برای ایران هموار ساخت شاهد بودیم که آطور شایسته است رستم و خاندانش این پادشاه را تحویل نگرفته و بی محلی کردند. به همین خاطر دل پادشاه از این موضوع آزرده است و من که سربازی کوچک برای این پادشاهی هستم ماموریت یافته ام شما را بسته نزد پادشاه ببرم. گرچه من تلاش خود را برای منصرف کردن شاه از این تصمیم داشتم و جواب نداد اما قول میدهم که اگر این امر شاه را گردن نهی، پیش او واسطه شده و همه چیز را ختم به خیر کنم».

بهمن با جلال و جبروت همراه با تعدادی از بزرگان، سوار بر اسب سیاه راهی این پیغامبری می شود. در راه با زال برخورد می کند و بدون شناخت او، ساده لوحانه و مغرورانه از رستم می پرسد و متوجه می شود در شکارگاه است. دعوت زال را برای استراحت نمی پذیرد و از او همراهی برای رفتن پیش رستم طلب می کند و با شیرخون به محل شکارگاه رستم می رود. از بالای کوه که رستم را می بیند، بزگی و سترگی و نحوه غذا خوردن رستم (زدن گور خنر بر تنه درخت و خوردن آن) او را دچار بهت و وحشت می کند که باز هم ساده لوحانه تصمیم می گیرد پنهانی، با انداختن سنگی از بالای کوه و کشتن رستم این جنگ و شکست احتمالی را به نفع پدر به پایان برساند. سنگ را رها کرده اما رستم دستان بدون توجه به فریادهای اطرافیان از جا تکان نخورده و با اشاره پائین سنگ را دور می کند. نقشه عملی نشده و بهمن پراز وحشت به کنار رستم می رود. رستم بعد از شناختن وی ضمن ابراز خوشحالی از دیدارش، وی را به استراحت و خوردن غذا

دعوت می کند و دریافت پیام را به بعد از آن موکول می کند. گوری برپا جلوی بهمن و گوری جلوی رستم. رستم از کم خوری شاهزاده تعجب کرده و با شوخی و کنایه سعی در صمیمی کردن فضا دارد. بهمن جوان هم شیرین زبانی کرده و آماده گفتن پیام اسپندیار به رستم می شود.

در محفل چهارم شاهنامه خوانی که در تاریخ بیست و هشتم آذرماه ۱۴۰۱ برگزار شد داستان به اینجا رسید که بعد از صرف غذا، بهمن پیام اسپندیار را به رستم می دهد. رستم به بهمن اشاره می کند که خوب این پیام را شنیده است. رستم پیغام می دهد که در طول چندین سال، خدمتگزاری ایران و شاهان ایران را کرده و رنج هارده است. او با حفظ آرامش و ضمن ابراز خرسندی از حضور و دیدار با شاهزاده ایران، او را به خانه خود دعوت می کند. رستم به اسپندیار اشاره می کند که پهلوان ایران است و حاضر است تا هر وقت که اسپندیار بخواهد از او و پارتاش پذیرایی کند و گنج هایی که در طول سالیان بدست آورده در اختیار او قرار دهد. رستم ضمن حفظ بزرگی و غرور خود ابراز خاکساری کرده و سعی می کند مثل اسپندیار از در صلح موضوع را پیش ببرد. در نهایت نیز به اسپندیار پیغام می دهد که گناهی نکرده داست بسته راهی شود و هر وقت قصد رفتن پیش شاه گشتاسپ را داری عنان به عنان همراه تو خواهم آمد و اگر کوتاهی از من سر زده از محضر شاه عذرخواهی خواهم کرد. پیغام را به گوش بهمن می سپارد و به او می گوید که همراه تو برای دعوت از اسپندیار خواهم آمد.

بهمن راهی خیمه گاه پدر در آن سوی روی هیرمند می شود. رستم قبل از رفتن به سوی اسپندیار زواره برادر خود را را فرامی خواند و می گوید به زابل برگرد و به زال و رودابه بگو که کاخ را شاهانه آماده پذیرایی از شاهزاده ایران کنند. از طرفی به آنها یادآوری می کند که اگر اسپندیار از در صلح وارد نشد آمادگی جنگ را نیز داشته باشند. زواره به او اشاره می کند که بین دو فرد که کینه ای نیست جنگی رخ نخواهد داد. بهمن بنزد اسپندیار برمی گردد. پیغام دعوت را می رساند و می گوید که رستم آنسوی رود خود آمده است تا با اسپندیار صحبت کند. بهمن هیبت و بزرگی رستم را به پدر و اطرافیان باز گو می کند. اسپندیار برآشفته می شود و از فرستادن کودک و کم تجربه ای مثل بهمن برای این کار بزرگ خشمگین شده و به او کنایه می زند در عسرت پهلوان ندیدی که این طور مرعوب رستم شده ای و سپاه را ترسانده ای. و آرام در گوش پشتون می گوید که رستم ادای جوان ها را در می آورد و انگار نه انگار کهنسال شده است. اما حرکت می کند و به سمت رستم در کنار رود هیرمند می رود. دیداری زیبا از رویارویی دو پهلوان ایرانی. رستم به محض دیدن اسپندیار از اسب پیاده شده و می گوید انتظار دیدار تو را می کشیده است. رستم اشاره می کند که با دیدن تو یاد سیواش افتادم. وی همچنان به او می گوید که خوش بحال پدری که چون تو پسری دارد و خوش بحال کشوری که چون تو پادشاه اسپندیار هم به رسم ادب از اسب پیاده شده و بیان می کند که تو مرا وزیر انداختی و خوش بحال پسری که پدرش تو باشی.

محمد علی علومی تاکید می کند که این دو پهلوان از عزیز ترین افراد خود نام برده اند و احترام و عظمت و طرف را خوب می شناسند. اما عواملی دیگر وجود دارد که مانع می شود که ایران برقرار باشد. در نهایت این گفت و گو عاطفی و مودبانه، رستم دعوت رسمی خود را اعلام می کند و اسپندیار پاسخ می دهد که شاه دستور داده که سریع برگردم و اگر دست بسته مرا همراهی کنی و به کاخ بیایی ضمن اینکه گناهی در دنیا و آخرت دامن مرا نمی گیرد، به محض پادشاه شدن، تو را گنج و شاهی بیشتری عطا می کنم. اما این یک سناریو ساده لوحانه است و رستم، رستم است.

مرحله به مرحله به وحشت بیندازد و همزمان چنان غمناک بخنداند که اشک سرتاسر چشم انداز عالم و آدم را در نگاه و نظر گاهت به رشه در آورد. محمدعلی علومی، صاف و صافی - بی هیچ وام گیری و شبیهایی مقلدانه از آستان این و آن نویسنده در بوق رفته جهانی و نیمه جهانی - داستان و رمان نوشته و می نویسد و خوشا رها از هر قید و قرار و بیرون و پری از هر «باند» و «محفل» و ادبیات و غیره، و آزاد از برهم بافتن و سرهم کردن «ادبیات جات» متواری در زاویه و کارگاه شخص شخص خود، بر همه آنچه باور داشته و دارد اصرار می ورزد و تک افاده پیش می رود تا مستغنی از در آویختن بر حاشیه هایی فریه تر از متن، و گردن بالاتر از مدعیان پر مدعا و کباده کشان گودهای پر از خالی، کار خود بسامان بسازد و بار خود -لاجرم- برپایه های خود ببرد.

کتاب «خداحافظ پدرخوانده: درنگی بر شش رمان جهانی و نگاهی به داستان نویسی ایرانی» نوشته علی اصغر شیرزادی نویسنده و روزنامه نگار پیشکسوت منتشر شد. به گزارش ایسنا، «خداحافظ پدرخوانده»، گزیده ای است از مهم ترین تحلیل های مطبوعاتی علی اصغر شیرزادی داستان نویس ایرانی درباره ادبیات ایران و جهان است. این نوشته ها در دو بخش گرد آمده اند.

او در بخش داستان ایرانی در مقاله ای با نام «خدا کند قدر خودش را بداند» درباره «محمدعلی علومی» نویسنده اهل بم نوشته است: او نویسنده ای است شش دانگ که با تشخیص زبان و تسلط حرفه ای در کاربرد هر عنصر داستانی، به لحاظ نوع خاص و منحصر به فرد هستی شناسی اش، می تواند - فراورنده از هر مصالحه و محاسبه فرضا

انتظار افزایش نوسازی و مقاوم سازی بناها بعد از برگزاری پویش «بم، سفیر نوسازی برای ایران قوی» زلزله بم

دبیر ستاد ملی بازآفرینی شهری پایدار، کاهش زمان صدور پروانه به دو ماه، تخفیف ۵۰ درصدی در صدور پروانه‌ها، استفاده از وام قرض الحسنه ودیعه مسکن در زمان نوسازی، استفاده از تسهیلات ارزان قیمت نهضت ملی مسکن و تسهیلات ویژه نوسازی را از جمله مشوق‌هایی دانست که شهروندان می‌توانند هنگام نوسازی واحدهای مسکونی خود از آن‌ها استفاده کنند؛ پویش جهادی «بم سفیر نوسازی برای ایران قوی» در ۳۵ شهر کشور برگزار شد.



خواهد رسید. همچنین با تلاش‌های جهادی ساخت ۱۵۰ هزار واحد مسکونی در بافت‌های فرسوده نیز اجرایی می‌شود.

به گفته دبیر ستاد ملی بازآفرینی شهری پایدار، کاهش زمان صدور پروانه به دو ماه، تخفیف ۵۰ درصدی در صدور پروانه‌ها، استفاده از وام قرض الحسنه ودیعه مسکن در زمان نوسازی، استفاده از تسهیلات ارزان قیمت نهضت ملی مسکن و تسهیلات ویژه نوسازی از جمله مشوق‌هایی است که شهروندان می‌توانند هنگام نوسازی واحدهای مسکونی خود از آن‌ها استفاده کنند. علاوه بر این بسته جامع تشویقی شهرسازانه نیز کمک بزرگی برای متقاضیان این حوزه خواهد بود.

آئینی ادامه داد: در محدوده بافت‌های فرسوده ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بنای ناپایدار وجود دارد که فاقد سازه فلزی و بتونی بوده و حدود ۱۰ میلیون نفر در این بناها ساکن هستند و می‌توان گفت جان ۱۰ میلیون نفر از هموطنان که زیر سقف‌های لرزان زندگی می‌کنند در خطر قرار دارد و باید تا دیر نشده فکری به حال آنها کرد.

وی همچنین از شهروندان و سفیران بم که خالصانه و ایثارگرانه در این رویداد بزرگ شرکت بازآفرینی شهری ایران را یاری کردند، تشکر و قدردانی کرد

اشاره به این که طی این پویش هر روز سه جلسه مختلف در این ۱۰۵ شهر برگزار شد؛ ادامه داد: جلسه اول با مردم و نمایندگان آن‌ها در محله‌هایی بود که بیشترین میزان بناهای ناپایدار را داشتند، گاه این جلسات چندین ساعت به طول می‌کشید. جلسه دوم با سازندگان بود؛ در این جلسه از تمام سازندگان که تجربه کار در بافت‌های فرسوده را داشتند دعوت شد و مسوولیت اجتماعی آن‌ها در خصوص احداث ساختمان‌های مقاوم و نیز رعایت مقررات ملی ساختمان برای حفظ جان ساکنان مورد تاکید قرار گرفت. جلسه سوم نیز با با مدیران شهری، استانداران و فرمانداران و با حضور امامان جمعه برگزار شد. در این جلسات، سفیران نوسازی به تشریح خطرات ناشی از ناپایداری و مقاوم نبودن بناها در صورت وقوع زلزله پرداختند و از آن‌ها خواسته شد تا جریان نوسازی را با شتاب بیشتری پیش ببرند.

معاون وزیر راه و شهرسازی یکی از مهمترین اهداف این پویش جهادی را اطلاع رسانی در خصوص بسته تشویقی شهرسازانه وزارت راه و شهرسازی که حدود و ماه پیش ابلاغ شد، عنوان کرد و گفت: این بسته تشویقی تاکنون دستاوردهای خوبی به دنبال داشته و در این مدت کوتاه شاهد رشد صدور پروانه‌های ساختمانی در محدوده بافت‌های فرسوده بوده‌ایم. سفیران نوسازی با حضور در این ۱۰۵ شهر با اطلاع رسانی‌های لازم مردم، سازندگان و توسعه‌گران را به استفاده از این بسته شهرسازانه دعوت کردند و انتظارمان این است که بعد از برگزاری این پویش شاهد افزایش چشمگیر در صدور پروانه‌های ساخت و نوسازی در این محدوده باشیم.

وی از تکمیل ۲۵۵ پروژه بازآفرینی شهری در دولت سیزدهم خبر داد و گفت: ۳۱۵ پروژه دیگر نیز تا پایان دولت سیزدهم اتمام و به بهره برداری

در این راستا جلسه‌ای با حضور مهرداد بذریاش وزیر راه و شهرسازی، محمد آئینی معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران، استانداران، فرمانداران و جمعی از مسوولان شهری بم و دیگر استان‌های کشور به شکل مجازی برگزار شد.

محمد آئینی معاون وزیر راه و شهرسازی در این جلسه به نحوه شکل‌گیری ایده برگزاری رویداد «بم، سفیر نوسازی برای ایران قوی» اشاره کرد و گفت: خرداد سال جاری در مسیر سفر به بم در شهرهای جیرفت و عنبرآباد از پروژه‌های بازآفرینی بازدید داشتیم و همین امر باعث شد تا دیر هنگام و در نیمه شب به شهر بم برسیم اما مدیران شهری بم در این ساعت منتظر ما بودند و جلسه ستاد بازآفرینی شهر بم در همان ساعت برگزار و نزدیک به دو ساعت به طول انجامید. در این جلسه با دیدن اراده مدیران شهری بم و یک کلیپ در خصوص شهر بم این ایده در ذهن شکل گرفت که شهر بم می‌تواند سفیر نوسازی کشور باشد و تلاش برای برگزاری این رویداد از همان خرداد شروع شد.

وی افزود: خوشبختانه تلاش‌ها به ثمر نشست و طی این سه روز شاهد بودیم ۳۵ نفر از سفیران نوسازی بم متشکل از فرهیختگان و مسوولان وقت در زمان زلزله بم و نیز مدیران و کارشناسان شرکت بازآفرینی شهری ایران در یک اقدام جهادی و داوطلبانه همچون ققنوس از بم برای ساختن ایران قوی به پا خواستند و با حضور در ۱۰۵ شهر کشور، پیام ۳۵ هزار عزیز از دست رفته در زلزله بم را به گوش دیگر هموطنان در سراسر کشور رسانند تا از این پس شاهد آوار شدن هیچ خانه‌ای بر سر ساکنانش در اثر زلزله و دیگر بلایای طبیعی نباشیم.

مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران با

شهرآباد | طلوع بم

فرصت بازآفرینی بم را بطور «کامل» دریابیم

بهنام خداشناس: در آستانه ورود به سال بیستم زلزله بزرگ و دلخراش بم هستیم. در ابتدای این رخداد بزرگ به دلیل حجم خرابی‌ها و تلفات انسانی، توجه ملی و بین‌المللی گسترده‌ای به بم شد. به طوریکه افراد و سازمانهای دولتی و غیردولتی زیادی به منظور احیا و بازسازی فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و... بم به صورت رسمی و داوطلبانه دست به کار شدند.

در همان اوایل زلزله، طرح توسعه شهری بم در قالب «طرح ساختاری-راهبردی» تدوین شد. بعد از ثبت شهر بم در فهرست میراث جهانی و فهرست میراث جهانی در معرض خطر، «طرح جامع مدیریت شهری بم و منظر فرهنگی آن» به پیوست طرح ساختاری-راهبردی تصویب و ابلاغ شد تا ملاحظات گوناگون ثبت جهانی مغفول نماند و بم با حفظ هویت‌های فرهنگی و زیست محیطی خود بازسازی و احیا شود. در کنار این طرح‌ها و اسناد بالادستی شهر بم، طرح‌های دیگری از قبیل طرح توسعه پایدار، شهر دوستدار کودک و... هم مطرح شد و اقداماتی نیز صورت گرفت. اما آنچه از طواهر امر پیداست این طرح‌ها که حاوی عناوین و ادبیات جدید توسعه شهری بودند، به دلایل مختلفی نتوانستند اثر خود را به صورت عملی در بازسازی و احیای بم پس از زلزله داشته باشند. طرح‌هایی که اگر به درستی فهم و پیگیری می‌شدند با مسایل و مشکلات امروزی بم از قبیل حاشیه‌نشینی، بی‌هویتی کالبدی، محله‌های ناکارآمد، اختلالات پس از سانحه و آسیبهای اجتماعی، افسردگی و بی‌معنایی زندگی که امروزه در آمار بالای خودکشی نتایج آن را می‌بینیم، کمتر مواجه می‌شدیم (ارزیابی این طرح‌ها و دلایل ناکارآمدی آنها، نیازمند یادداشت و بررسیهای دقیق و علمی دیگری است).

متأسفانه فرصتهای قبلی از دست رفت اما چند سالی است که با مطرح شدن رویکردهای جدید توسعه و مرمت شهری از قبیل «بازآفرینی شهری» در کشور، شاهد ورود این ادبیات جدید به بم نیز هستیم. بطوریکه یکی از اهداف اصلی طرح تفصیلی جدید شهر بم بازآفرینی شهری است. همچنین بخشی از بدنه مدیریت شهری بم از پیگیریهایی خود از طریق سازمان بازآفرینی، یکی از مسایل مهم بعد از زلزله یعنی آسفالت کوچه‌های خاکی را تسهیل کرده‌اند. این رویکرد چنان دارای اهمیت شده است که امسال همزمان با سالگرد زلزله بم و روز ملی ایمنی مقابل زلزله، از طرف سازمان بازآفرینی، سفیرانی از بم برای آرایه تجربه‌های بازسازی و مقاوم‌سازی شهری و حل مسایل بافت‌های فرسوده به دیگر شهرها فرستاده شده است.

باید گفت که بازآفرینی با هدف ارتقای کیفیت زندگی شهری ظهور پیدا کرده است. بازآفرینی نگاهی چندجانبه به شهر، نیازها و مسایل آن دارد. رویکردی که برخلاف طرح‌های قبلی بازسازی و نوسازی شهری، نگاه صرفاً فیزیکی و کالبدی به شهر نداشته و ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و... را همراه با مشارکت مردم دنبال می‌کند. هدف آن هم ارتقای مولفه‌های کیفی مهمی چون امنیت، ایمنی، هویت، سرزندگی، رضایت، توانمندسازی و... در نتیجه ارتقای کیفیت زندگی شهری برای شهروندان است. مباحث مهمی که نیاز اساسی این سالهای بم بعد از زلزله است. حال که یکی از این‌های بزرگداشت سالگرد زلزله دلخراش بم، دعوت از دکتر آئینی معاون وزیر و مدیرعامل سازمان بازآفرینی شهری است، پیشنهاد می‌گردد که در کنار مطالبات بحق کالبدی و فیزیکی از قبیل آسفالت کوچه و خیابان، محله‌های ناکارآمد و...، درخواست شود که موضوعات اجتماعی، فرهنگی، هنری، زیست محیطی، هویتی و معنایی بم نیز مدنظر قرار گیرد. مولفه‌هایی کیفی که دوام و قوام جامعه بدان وابسته است و می‌تواند دردهای اجتماعی و فرهنگی پس از فاجعه زلزله بم را التیام بخشد و امید و رضایت به زندگی در این شهر جهانی شده را افزایش دهد. برخی از این اقدامات شامل موارد زیر است:

• بازآفرینی محله و مفهوم همسایگی در بم
• ساخت و راه‌اندازی مراکز پایش اجتماعی و روانی محله‌های بم

• برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری و اجتماعی
• احیای هویت کوچه باغ‌ها و خانه‌باغ‌ها

• بازآفرینی، احیا و ایجاد سرزندگی در محل آثار تاریخی و پیرامون آنها (که با رشد شهری، معمولاً در محله‌های ناکارآمد شهری واقع شده‌اند).

• جلب مشارکت مردمی برای حفظ و بازآفرینی باغشهر بم
• ایجاد گذرهای گردشگری و فرهنگی و هنری به خصوص در کنار مسیر قنات‌ها
• احیا منظر فرهنگی و بازآفرینی مسیلهای شهری
• بازآفرینی و احیا بازارهای سنتی و تاریخی
• بازآفرینی و احیا شهر از طریق ساخت سینما، موزه و... در صورت نیاز، جزئیات بیشتر این پیشنهادها به تفصیل قابل ارائه است.

امیدواریم که با درک جامع و کامل اهمیت موضوع بازآفرینی در بدنه مدیریت شهری و اجرایی بم و مشارکت و همسویی با یکدیگر، این فرصت مهم کیفی را دریابیم و افسوس آن را به تاریخ بم نسپاریم.



حضور مهندس علیرضا ریاضی شهردار بزم و مهندس برای نژاد در صحن شورای شهر بزم؛

تشریح آخرین وضعیت پروژه های شهری و آسفالت

بزم حدود ۴۰ هزار متر مربع زیر سازی و ۱۰ هزار متر مربع آسفالت تا امروز انجام شده و همچنین در شهرک امام حدود ۵۰ هزار متر مربع زیر سازی، ۲۵ هزار متر مربع آسفالت انجام شده و در شهرک رزمندگان ۲۵ هزار متر زیر سازی، و آسفالت آن هم در روزهای آینده شروع می شود.

وی در مورد دلیل کم رنگ شدن مسئله لکه گیری خیابان های سطح شهر افزود: کل اکیب آسفالت شهرداری یک اکیب است یک فنیشر و دو غلتک داریم اگر قرار باشد آسفالت بریزیم لکه گیری تعطیل می شود این در حالیست که قیمت یک غلتک ساده پنج میلیارد تومان است و فنیشر هم از ۵ میلیارد تا ۳۰ میلیارد قیمت دارد. وی ادامه داد: قیمت تمام شده آسفالت بین ۲۴۰ تا ۲۶۰ هزار تومان در قراردادهای بخش خصوصی بسته شده و سعی شده که با آنها توافق شود و براساس همین قیمت کار در حال انجام است و طبق مصوبه متری ۲۵ هزار تومان، اما الان اگر بخواهیم حساب کنیم فقط ۱۰ درصد از مردم آن را می پردازند

وی خاطر نشان کرد: مشارکت مردم در زمینه خودیاری آسفالت کم شده و حدود ۴۰ کوچه در نوبت آسفالت هستند. وی یادآور شد: عمده پیمانکاران بومی که در زمینه آسفالت الان مشغول به فعالیت هستند با شهرداری قرارداد دارند و نیروهای آنها بومی هستند و سرعت پیمانکاران بومی نسبت به غیر بومی متأسفانه پایین تر است و البته پیمانکاری که خارج از منطقه هم بیاید مقرون بصره نیست. وی یادآور شد: ما در منطقه سه کارخانه آسفالت فعال داریم که یکی کار شهرداری و یکی مال بخش خصوصی است و ۷ قرارداد بستیم که پیمانکاران باید از همان دو کارخانه و گاهی هم از شهرداری آسفالت خود را تأمین کنند که اینها همه روی سرعت آسفالت تأثیر می گذارد.

وی در خصوص میادین پیامبر اعظم، ۵ دی، شهدای گمنام، بسیج و امام حسین طراحی اولیه آن انجام شده است. با توجه به حساسیت ویژه ای که وجود دارد و باید دید مردم عامه را هم در نظر بگیریم از مشاوران مختلف استفاده کردیم و طرح ها در حال انجام است و ما ظرف ۲۰ روز آینده از چند مشاور دعوت و نظر شهردار داده می شود و در نتیجه طرح ها به صحن شورا می رود تا هر کدام که نهایی شد به سمت عقد قرارداد برود.

وی در مورد آبهای سطحی اظهار کرد: متأسفانه در فصل زمستان مشکلی که وجود دارد و با توجه به روش آبیاری غرق آبی که استفاده می شود آب رها می شود که دلایلش را خود کشاورزان می دانند. ما ماه گذشته جلسه ای با حضور نماینده جهاد کشاورزی و نماینده دادگستری و تعدادی از میراب ها داشتیم و طبق قانون ما نمی بایست هزینه کنیم چون هزینه ها مربوط به ذینفع است ولی با توجه به رویکرد شورا و شهرداری بصورت مشارکتی این کار را انجام می دهیم. مسئله ای که خیلی مهم است بحث فرهنگ سازی است ما هنوز زباله ها را در جوی آب می اندازیم و پل بسته می شود و مشکلاتی بوجود می آید.

برای نژاد با تأیید مشکل کمبود نیرو در حوزه عمرانی و اکثر حوزه ها بیان کرد: ما در شهرداری با مشکل نیروی متخصص در شهرداری روبرو هستیم و اکثر مشکلات هم به همین موضوع برمی گردد.



خیابان مولوی، روشنایی جلو پمپ بنزین، ۵ دی، تسطیح تپه یادمان، لکه گیری آسفالت سطح شهر مجموعه کارهایی است که انجام شده و اما در مجموع نسبت به سال قبل هر جا که می رفتیم دریایی از نیازمندی وجود داشت.

وی در خصوص نصب دوربین های ترافیکی توضیح داد: مصوبه ای برای راهنمایی و رانندگی داشتیم که آن را انجام دادیم. تعداد ۲۳ دوربین که ۱۹ مورد از آنها امنیتی هستند و ۴ مورد از آنها ترافیکی است الان در مانیتورینگ مان داریم و برای اینکه آنها را بروز کنیم ۱۰۰ میلیون تومان هزینه کردیم. رسول برای نژاد معاون عمرانی شهردار بزم در خصوص آسفالت محله های هدف باز آفرینی گفت: در محله تختی، حدود ۲۰ هزار متر زیر سازی صورت گرفته و حدود ۵ هزار متر مربع آسفالت شده و در محله سیدطاهرالدین

بسطامی، بهسازی میدان شهدای گمنام، تکمیل پیاده رو سازی بلوار صاحب الزمان، اجرای سایبان ضلع شرقی خیابان ایت ا... کاشانی، پیاده رو سازی و بهسازی جداول خیابان بوعلی از دلگشا تا انتهای بوعلی و ورودی دهشتر، خیابان پروین اعتصامی که حدود ۶ میلیارد تومان برآورد اولیه کردیم، سنگ کوبی خیابانهای ایت ا... کاشانی و پروژه روشنایی معابر هم ۲۲ میلیارد ۸۹۰ میلیون تومان برآورد شده است که از بهمن ماه شروع می شوند. ساماندهی کوچه های یکطرفه، اجرای رفیوژ زید، بهسازی میدان محمد رسول ا... و میدان ۵ دی و میدان شهدای گمنام و تندیس میدان بسیج و میدان آزادی در مرحله طراحی و نزدیک به نتیجه است. پیاده روی تأمین اجتماعی تکمیل و پیاده رو سازی ورودی صاحب الزمان و سرگرد سخایی، سایبان آیت ا... کاشانی، باغدشت، چهارراه دلگشا، روشنایی

در جلسه شورای شهر بزم که با شش عضو روز شنبه سوم دی ماه تشکیل و علیرضا ریاضی شهردار بزم و رسول برای نژاد معاون عمرانی شهردار در این جلسه حضور داشتند و به ارائه گزارشی از آخرین وضعیت پروژه های شهری و آسفالت پرداختند.

به گزارش طلوع بزم، علیرضا ریاضی شهردار بزم در خصوص پروژه آسفالت محله های هدف باز آفرینی گفت: براساس تفاهم نامه هایی که با راه و شهر سازی امضا کردیم موظف شدیم طی یکسال پروژه آسفالت را در محله های هدف باز آفرینی و کمتر توسعه یافته شهر انجام دهیم در این زمینه مطالعات انجام و تأییدیه ها گرفته و برآورد ها انجام شده است و ما به سمت انجام مناقصات رفتیم و امروز هفت پیمانکار داریم که پنج پیمانکار در حال کار و دو پیمانکار دیگر هم در حال انجام قرارداد هستند؛ یک پیمانکار هم از سال قبل فعالیت داشت که با نزدیک شدن به ایام عید محله های غیر از هدف باز آفرینی را انجام می دهد بنابراین در جمع با ۸ پیمانکار و اعتباری بالغ بر ۲۳۵ میلیارد و هشتصد میلیون تومان با این پیمانکاران قرارداد بستیم. وی افزود: ۷۹۳ کوچه با ۸ پیمانکار در حال کار هستند و شرکت اولی ما حدود ۶۰ کوچه را انجام داده و بقیه پیمانکاران هم متناسب با حوزه ها و محله هایی که در حال فعالیت هستند و پیمانکاران برای بستن قرارداد در آینده ای نزدیک به مساحتی قریب به ۸۵۲ هزار متر مربع آماده می شوند.

وی افزود: شرکت باز آفرینی یکسری از شاخصه های محله های باز آفرینی را تقلیل داده و دستورات عملی را به ما ابلاغ کرده و پیمانکار مطالعات آن را به سرانجام رسانده ولی باز هم تعدادی از محله های شهر که امروز شفافا اعلام آنها گرفته شد هدف باز آفرینی شامل آنها می شود مانند محله های ولی عصر، لرسناتی ها، بخشی از محله بوعلی، محدوده هایی از معلم و عیش آباد. وی خاطر نشان کرد: شاخص ها در حال نهایی شدن هستند تا ما بتوانیم برای این محله ها هم درخواست قیر و هم در خواست مطالبات بعدی کنیم. اگر قرار باشد بر مبنای ردیف بودجه کار کنیم فراتر از آن همین پروسه ما پروژه دیگری را نمی توانیم با شاخصه های بودجه دنبال کنیم.

وی در خصوص فعالیتهای انجام شده و در حال انجام یادآور شد: ما از اول سال تعدادی پروژه دیگر از جمله میدان های امام حسین، بسیج، دروازه قران، و روشنایی چندتا از معابر مثل مولوی، امیرالمومنین، افلاطونیان، را در سطح شهر با همراهی و همکاری شورا کلید زدیم و ریز کارها حدود ۳۰ مورد است.

از جمله پروژه های شاخص ما سبنا امید است که با هزینه ۳۴ میلیارد ریال آماده بتن ریزی ستون هاست، پیاده رو سازی جلوی بازارهای سرپوشیده خیابان طباطبایی که محدوده بازارهای سنتی هست، سنگ فرش اطراف قبور شهدای گمنام در پارک شهدای گمنام، بهسازی معابر سطح شهر، ترافیک و روان سازی معابری که نیاز به بهسازی برای معلولین در محدوده اداره پهن بستی، پروژه های مصوب هم رو در اختیار پیمانکاران و روی سامانه ستاد گذاشته ایم که تا دی ماه هم وضعیت پیمان کاران آنها مشخص می شود. پیاده رو سازی بلوار بسطامی، پیاده رو سازی خیابان های بهمنیار، شهدای گمنام، سرگرد سخایی،



مدیر کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان گفت:

احیای ارگ بم به ۹۰ درصد رسید

وفایی گفت: پس از گذشت ۱۹ سال از زلزله بم اینک ۹۰ درصد از کار بازسازی ارگ بم به پایان رسیده و می‌توان گفت که این بنا با وجود ویرانی برجامانده پس از زلزله، اکنون احیا شده است.

صبح جمعه پنجم دیماه ۱۳۸۲، خورشید در آسمان بم تیره طلوع کرد؛ دقایقی قبل از آن زلزله مهیب ۶٫۶ ریشتری، بم و مناطق اطراف آن را با خاک یکسان کرده بود و زلزله زدگان هنوز از فاجعه‌ای که تنها در مدت ۱۲ ثانیه بر سر آنان آوار شده بود، گیج و مبهوت بودند.

تصاویر و صحنه‌های زلزله بم و ویرانی و خسارت‌های آن آنقدر تکان دهنده و سنگین بود که هنوز پس از گذشته ۲ دهه از این بلاى طبیعى، دل انسان را به درد می‌آورد، هر چند صدای مردم بم در زیر آوار نماند و تنها ساعتی کوتاه پس از زلزله همه ایران و بسیاری از کشورها شتابان به کمک هم‌نوعانشان آمدند و با امداد رسانی و کمک‌های بی‌دریغ مرمهی بر درد و رنج ساکنان بم گذاشتند.

در این میان ارگ سترگ و تاریخی بم با قدمتی در حدود ۲ هزار و ۵۰۰ ساله که سال‌ها استوار در پهنه کویر از ساکنانش حفاظت کرده بود نیز ناباورانه به تلی از خاک تبدیل شد و اغلب قسمت‌های آن فرو ریخت تا علاقه‌مندانش در ایران و سراسر جهان را نیز در ماتم بنشانند. اگر چه در روزها و ماه‌های نخست پس از زلزله، تصاویر ویرانی ارگ بم در اذهان، پایان شکوه یک بنای تاریخی را رقم می‌زد، اما ارگ بم باید به عنوان نماد سختکوشی و تسلیم‌نشدن در برابر قهر طبیعت دوباره ساخته می‌شد و این مهم با آغاز سریع عملیات مرمت آن در همان ماه‌های نخست پس از زلزله اجرا شد.

مرمت مستمر ارگ، ۱۸ سال پس از زلزله

حال پس از ۱۹ سال از آن صبحدم شوم در سال ۸۲ ارگ بم را زیباتر و محکم‌تر از قبل از ویرانی می‌توان مشاهده کرد و مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان درباره آخرین وضعیت بازسازی ارگ بم روز دوشنبه به خبرنگار ایرنا گفت: به دلیل اهمیت ارگ بم برای میراث فرهنگی جهان طی سال‌های پس از زلزله، کار مرمت این بنا به صورت مستمر تاکنون ادامه داشته و اینک ۹۰ درصد از بنا احیا شده است.

فریدون فعالی افزود: ۱۲ کارگاه مرمت و بازسازی در مجموعه ارگ بم و منظر فرهنگی آن مشغول به کار هستند که عملیات مرمت با نظارت کارشناسان و مصالح مرغوب انجام می‌شود.

اتمام فاز نخست نورپردازی

وی اظهار داشت: مطالعات نورپردازی تمامی بخش‌های ارگ تاریخی بم انجام شده است و در روزهای اخیر فاز اول عملیات نورپردازی ارگ تاریخی بم با اعتباری معادل یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان شامل بازار، خانه سیستانی، خانه میراکبر، مسجد پیامبر (ص) و بخشی از حصار دوم ارگ تاریخی بم انجام شد.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان ادامه داد: فاز دوم نورپردازی نیز با تأمین اعتبار بزودی آغاز می‌شود تا علاوه بر روزها، شب‌ها نیز شاهد

شکوه و عظمت این اثر تاریخی باشیم.

تعریف کاربری برای خانه‌های ارگ

وی با بیان اینکه برای قسمت‌های بازسازی شده ارگ بم کاربری تعریف می‌شود تصریح کرد: بخشی از فضای داخلی ارگ به کارگاه و نمایشگاه صنایع دستی تبدیل می‌شود که بازدیدکنندگان این بنا با صنایع دستی بم و استان آشنا شوند.

فعالی با بیان اینکه خدمات متنوعی اینک در داخل ارگ به گردشگران ارائه می‌شود افزود: همچنین در نظر داریم تعدادی از خانه‌های تاریخی درون ارگ بم که مرمت شده‌اند به عنوان مجموعه اقامتی و پذیرایی برای میهمانان و بازدیدکنندگان راه‌اندازی شود.

وی تأکید کرد: اکنون شرایط بنای ارگ بم و جاذبه‌های طبیعی و تاریخی این شهرستان برای بازدیدکنندگان و کسانی که نگران وضعیت ارگ پس از خرابی‌های پس از زلزله سال ۸۳ بودند، بسیار مطلوب است و گردشگران می‌توانند بم زنده و احیا شده را ببینند.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان خاطر نشان کرد: برای باغ‌هایی که اطراف و منظر فرهنگی ارگ بم قرار دارند، آمادگی داریم تا برای ایجاد اماکن گردشگری، تغییر کاربری و زمینه‌ارائه خدمات فراهم کنیم.

ارگ ثبت جهانی بم به مساحت تقریبی ۲۰۰ هزار مترمربع از گونه‌های معماری متعددی از جمله دیوار حصار، برج

و بارو و دروازه‌های متعدد، مسجد، بازار، تکیه، کاروانسرا، مدرسه، حمام، زورخانه و محله‌های مسکونی با خانه‌های اعیان‌نشین یا عامه‌نشین، بخش حاکم‌نشین شامل سربازخانه، اصطبل، آسیاب، خانه فرمانده قشون و بخش اقامت حاکم شامل خانه حاکم، عمارت چهارفصل و برج دیده‌بانی تشکیل شده است.

این بنای سترگ و زیبا که ایجاد سنگ بنای آن در مراحل ابتدایی به دوره ساسانیان می‌رسد بزرگ‌ترین سازه خشتی در دنیا شناخته می‌شود و به عنوان یکی از معروف‌ترین جاذبه‌های استان کرمان، در جنوب شرقی حاشیه کویر لوت و در شهر بم جای گرفته است. این بنا با معماری جذاب نمونه‌ای دیدنی از ساختار دفاعی در ایران کهن را به نمایش می‌گذارد.

به نظر کارشناسان میراث فرهنگی، ارگ بم به دلایل متعدد از جمله دارا بودن گونه‌های متعدد بناهای تاریخی و محله‌های مسکونی و شیوه ترکیب و اتصال آنها با یکدیگر و شکل قرارگیری بناها روی شیب تپه و ختم شدن کل مجموعه در انتها به عمارت منحصربه‌فرد چهار فصل در بالاترین نقطه، دارای ارزش‌های فراوان معماری و شهر سازی است. ارگ بم و منظر فرهنگی آن ۱۷ تیر سال ۸۲ در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید که این بنای ارزشمند تاریخی قبل از آن در سال ۱۳۴۵، با شماره ۵۱۹ در فهرست میراث ملی به ثبت رسیده بود.

آگهی تاسیس شرکت

تاسیس شرکت سهامی خاص راشا سازان جنوب شرق در تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۱ به شماره ثبت ۲۳۷۵ به شناسه ملی ۱۴۰۱۱۷۵۱۱۰۱ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت: موضوع فعالیت انجام کلیه امور پیمانکاری شامل طراحی، نظارت و اجرای پروژه‌های مربوط به ساخت ساختمان‌ها و ابنیه اعم از چوبی، آجری، سنگی، بتنی و فلزی و نظایر آن - انجام کلیه امور پیمانکاری مربوط به ساخت راه و نظیر راههای اصلی و فرعی، بزرگراهها آزادراهها، راههای ریلی، باند فرودگاه، سیستم‌های انتقال هوایی پایدار تونل‌ها، پل‌ها، راههای زیر زمینی و سیستم‌های حمل و نقل (تهیه، نصب، نگهداری و تعمیر تجهیزات) و راهداری و عملیات آسفالتی و نظایر آن انجام کلیه پروژه‌های مشاوره، پروژه‌های طراحی و نظارت، و پیمانکاری، آبیاری زهکش، آب و فاضلاب تازه‌های هیدرولیکی و دریایی که مربوط به بندها، سد ها و ساختمان نیروگاه آبی‌سازه‌های هیدرولیکی تونل‌های انتقال آب، مقارن آب و شبکه‌های توزیع آب، شبکه‌های جمع‌آوری و انتقال فاضلاب، کانال‌های انتقال آب و شبکه‌های آبیاری و زهکشی، سازه‌های دریایی و ساحلی، احداث حوضچه‌ها و استخرهای پرورش و تکثیر آبزیان و عملیات ساختمانی (سیویل) تصفیه‌خانه‌های آب و فاضلاب نظایر آن سد های بتنی، خطوط انتقال آب و تسطیح اراضی - انجام کلیه امور پیمانکاری مربوط به تأسیسات و تجهیزات صنایع غذایی، نساجی، پوشاک، چرم، چوب و شیشه، سلولزی، استخراج، فراوری، ذخیره تبدیل مواد خام تولید در صنایع نفت و گاز، پتروشیمی، شیمیایی، کانی غیر فلزی، صنایع سنگین، معدنی و صنایع فلزی (آهن و فولاد، فلزی غیر آهنی و فرآورده‌های فلزی) کارخانجات ابزار آلات و ماشین‌ها، تجهیزات اندازه‌گیری و کنترل، تأسیسات صنعتی جانبی، تولید و وسایل آزمایشگاهی، دارویی، کارخانجات بهینه‌سازی مصرف انرژی، صنعت حمل و نقل و نظایر آن - انجام کلیه امور پیمانکاری مربوط به نفت و گاز (صنایع پایین دستی)، خرید، فروش، واردات و صادرات انواع ماشین‌آلات، قطعات، مصالح و کلیه کالاهای مجاز داخلی و خارجی، امور پیمانکاری در زمینه جنگل‌داری، درخت کاری، بهسازی و اصلاح اراضی، آبخیزداری و آبخوان داری، مالچ پاشی و تثبیت شن روان، عملیات به زراعی، کاشت و برداشت محصولات عمده استراتژیک، مرتع داری و ایجاد مراتع دست کاشت، ایجاد فضای سبز و نگهداری آن، امور دام پروری شامل، طیور، گاو‌داری، زنبورداری، گوسفندداری (شیلات و آبزیان و نظایر آن در برگیرنده امور پیمانکاری مربوط به مخابرات صوتی، تصویری و داده‌ای ساخت ایستگاه‌های اصلی انتقال دهنده و توزیع کننده انواع شبکه‌های پستی، شبکه‌های انتقال سیمی، بیسیم، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های ماهواره‌ای و نظایر آن، امور پیمانکاری مربوط به مرمت آثار باستانی، امور مربوط به حمل و نقل (درون شهری)، امور آشپزخانه و رستوران، خدمات عمومی (نظیر نامه رسانی، پیشخدمتی، تلفنچی، نظیفات)، چاپ و تکثیر، نگهداری و خدمات فضای سبز، امور بهره‌برداری از تأسیسات، تعمیر و نگهداری ساختمان و ماشین‌آلات، انجام کلیه امور بازرگانی شامل خرید، فروش، صادرات و واردات کلیه کالاهای مجاز داخلی و خارجی، تولید محصولات کشاورزی ارائه خدمات و تأمین نیاز تولیدکنندگان کشاورزی تولید محصولات دامی کشاورزی ارائه خدمات به کشاورزان نظیر تسطیح اراضی مشاوره و برگزاری دوره‌های آموزشی در خصوص کشاورزی در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان کرمان، شهرستان بم، بخش مرکزی، شهر بم، سید جمال الدین، خیابان سید جمال الدین، کوچه سید جمال الدین ۱۵، پلاک ۴، طبقه ۱ کدپستی ۷۶۶۱۷۵۳۱۹۹ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۱۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی تعداد ۱۰۰ سهم آن با نام عادی مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۲۸۵/۴۶۴۶۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۰ نزد بانک بانک ملت شعبه مرکزی بم با کد ۴۶۴۶۶ پرداخت گردیده است اعضا هیئت مدیره آقای مسعود موسائی به شماره ملی ۳۱۶۱۰۰۷۷۲۷ به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال خانم اسماء موسائی میجی به شماره ملی ۳۱۶۱۱۵۰۷۸۳ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت ۲ سال خانم شیمیا موسائی میجی به شماره ملی ۳۱۶۱۱۵۵۸۳۱ به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک، سفته، بروت، قراردادهای عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه‌های عادی و اداری بامضاء منفرد یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد، اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه بازرسان خانم زهرا حسینی به شماره ملی ۳۱۱۰۷۱۷۰۹۳ به سمت بازرس اصلی به مدت ۱ سال آقای عبدالرضا فروغی نعمت‌اللهی به شماره ملی ۶۰۷۹۹۶۵۸۸۷ به سمت بازرس علی‌البدل به مدت ۱ سال روزنامه‌کثیر انتشار طلوع بم جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشد

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری بم (۱۴۲۶۸۶۵)

اولین تصویر و گفت‌وگو با مردی که عکس او با جنازه دو پسرش به نماد زلزله مهیب بم تبدیل شد و جهانیان را به کمک بم فراخواند

غریبانه، پدرانه

روزنامه شرق، ۵ دی ۱۴۰۱ - محمدجواد رحیم‌نژاد

زمین دیوانه مست تیغ در دست، زمان مضطرب و آسمان هم به زاری نشسته بود. پس چه کسی باید سنگینی بار این غم را روی شانه‌های خود می‌گذاشت؟ لیلا هم نبود که لالایی بخواند. آن‌سوتر لای پتو با شانه‌های شکسته و چشمان باز، او هم مرده بود؛ اما یکی بود اگر سه نفر نبود. پدر بود که برای علی‌اکبر و قاسم و لیلا و زمین و زمان و آسمان لالایی بخواند.

برای ما ایرانی‌ها داستان زلزله بم یکی داستان است پر آب چشم. با اینکه ۱۹ سال گذشته؛ اما هر خط و هر صفحه این کتاب را که بخوانی، محال است از ظلم زمین سر به آسمان نیاوری. اگر بخوایم برای جلد این کتاب عکسی انتخاب کنیم، تصاویر زیادی از این حادثه در ذهن ما وجود دارد که مهم‌ترین آن عکسی است که عطاالله طاهرکناره در بهشت‌زهرای بروات بم ثبت کرده است. عکسی که برنده یکی از جوایز معتبر عکاسی دنیا نیز شد. نمایی از پشت سر پدری که جنازه دو پسرش را روی شانه‌های خود گذاشته و به قبرستان آمده تا آنها را دفن کند. یک قاب عکس سه‌نفره پدر و پسری که فشرده‌ای از تمام غم بم را در خود جای داده بود و دل هر آدمی را به درد می‌آورد.

امین آن روز در زندان بود، همان‌طور که الان هست. از طریق فراخوانی که در یکی از کانال‌های محلی بم دادم، فهمیدم که از سال ۹۱ در زندان کرمان به سر می‌برد. با نظر مساعد آقای پرناک رئیس زندان کرمان، طی یک سال توانستم سه بار با امین ملاقات کنم. داستان زندانی شدن‌های او حکایت‌های مفصلی دارد و خودش ریشه افتادنش به دام خلاف را این‌طور شرح می‌دهد: «همیشه به دلیل بی‌پناهی و طردشدگی، جهل و سادگی و مرام و معرفتی که بیش از اندازه برای برخی آدم‌ها هزینه می‌کردم، این بلاها به سرم می‌آمد. البته جرقه داستان زندگی پرتلاطم من در آخرین روزهای سربازی‌ام زده شد؛ جایی که فرمانده ما به قصد تنبیه و تحقیر، سیلی محکمی به گوش چپ من زد و بلافاصله دست راست من هم ناخودآگاه و بی‌اراده، سیلی محکمی به گوش او زد و همین اتفاق مقدمه‌ای برای عصبانیت و ترس توأمان و فرار من از سربازی و بدتر از آن فراری دادن یکی از محکومان به اعدام شد. آن فرد که به دلیل قاچاق مواد مخدر بازداشت شده بود تنها کسی بود که وقتی من سرباز را در حال تنبیه شدن در بازداشتگاه می‌دیدم، دلش به حال من سوخت و تأسف می‌خورد. از آن روز که مجبور به فرار شدم، دیگر آن جوان سابق و سالمی که مثل بقیه نوجوانان و جوانان فوقش کمی شیطنت می‌کردم، نبودم. به راهی افتادم که دیگر خودم هم توان برگشت از آن را نداشتم تا اینکه هر بار مجبور به تاوان پس دادن می‌شدم و تا همین الان، داغ یک زندگی خوب و عادی بر دلم مانده است.» با وقوع زلزله ۸۲ زندانیانی که خوششان درجه یک آنها فوت شده بودند، عفو شدند و امین هم که همسرش لیلا و دو پسرش علی‌اکبر و قاسم را از دست داده بود، عفو شد تا اینکه در سال ۹۱ باز هم به قول خودش نارفتی و نامردی دید و به جای اینکه کسی دیگر زندانی شود، او امروز زندانی است؛ اما اولین بار که راهی زندان شد، اوایل سال ۸۰ بود. امین موفق فرزند قاسم متولد سال ۵۳ می‌گوید که در آن سال باری را از او گرفته بودند که متعلق به او نبود و فقط او به چنگ قانون افتاد. قاچاقچی‌ها به او گفته بودند که تو مالکیت مواد را به گردن بگیر و ما هوای زن و بچه‌ات را داریم و سند وثیقه می‌گذاریم و خودت را هم بیرون می‌آوریم؛ اما پس از آنکه امین به گردن گرفته بود و آنها هم آزاد شده بودند، هیچ کاری برای او و خانواده‌اش نکرده بودند. امین هم با یک حکم حبس ابد راهی زندان بم شده بود و تا دوسال و نیم بعد که زلزله شد، در زندان بود.



زلزله، غریبانه، پدرانه

یک پدر همیشه پدر است؛ حتی اگر پشت میله‌های زندان باشد. وقتی که در زندان بوده همسرش هوای او را داشته و مرتب به او سر می‌زده است. امین از خاطرات آن روزهایش می‌گوید: «لیلا عزیزم هیچ وقت من را در زندان تنها نگذاشت. همیشه با پسرها به دیدن می‌آمد. گاهی در محوطه زندان با هم ملاقات می‌کردیم و من یک دل سیر با علی‌اکبر و قاسم بازی می‌کردم. موقع خداحفاظی در آخرین ملاقاتمان در زندان، هر دو پسر را به بغل گرفتم و آنها هم سرهایشان را روی شانه‌هایم گذاشتند و تا ورودی محل ملاقات رفتیم.»

وقتی خاطراتش را تعریف می‌کند، نگاهش به دیوار روبه‌روست؛ ولی اصلاً مشخص نیست که می‌خواهد بغض کند یا تأسف بخورد یا خوشحال شود. ادامه می‌دهد: «هوای دی‌ماه بم سرد و سوزناک بود و از سر شب صدای باد شدیدی هم از بیرون زندان به داخل بندها می‌آمد. سحرگاه چهارم دی بود. خوابیدیم. خواب دیدم که از تخت در اتاق زندان کنده شدم و به بالا می‌روم. رفتم و رفتم تا به بالای زندان رسیدم. رفتم بالاتر به حدی که کل شهر بم را می‌دیدم. وقتی که خوب به پایین نگاه می‌کردم، مردم را در حال دویدن می‌دیدم. گوشه‌ای از شهر تخریب شده، گوشه‌ای هم آتش گرفته بود و مشخص بود که شهر حالت عادی ندارد. به‌شدت ترسیده بودم که ناگهان با صدای مهیبی همه ما از خواب پریدیم. کل زندان به لرزه درآمد و صدای خوردن چیزی به سقف و در و دیوار زندان آمد. متوجه شدیم که به دلیل شدت باد نورگیر بزرگ زندان کنده شده بود. تمام روز پنجشنبه را از شدت نگرانی از اینکه تغییر خوابم چیست، به فکر فرو رفته بودم. نگران خانواده‌ام بودم. با همین نگرانی و اضطراب روز را به شب رساندم و دوباره خوابیدیم. سحرگاه جمعه بود که زمین تکانی به خودش داد و با یک لرزه شدید و کوتاه ما را از خواب بیدار کرد. همه زندانی‌ها ترسیده بودند. فریاد می‌کشیدند؛ اما وقتی فهمیدیم که کوتاه بوده و مشکلی ایجاد نکرده دوباره خوابیدیم؛ اما بعید می‌دانم کسی خوابش برده

بود. من خودم مدام در ترس و دلهره تعبیر خواب شب قبل و کنده شدن نورگیر زندان و پیش‌لرزه امشب بودم. حسی عجیب‌وغریب داشتم و به همه اینها هم‌زمان فکر می‌کردم. ساعت حدود ۵:۳۰ بود و کم‌کم چشم‌هایم داشت سنگین می‌شد که ناگهان غرش زمین بلند شد. بلافاصله پس از صدای ترسناک زمین، لرزه‌ها هم شروع شد. ۱۳ ثانیه ادامه داشت و کل زمین را از جا کنده.»

زلزله اصلی رخ داد و زندان به هم ریخت. امین موفق با زندانیان دیگر به لایه و التماس افتاده بودند. در تاریکی بند، همه گرفتار بودند و گریه می‌کردند و خانواده‌شان را صدا می‌زدند. حاضر بودند برای خلاصی هر کاری کنند. همه‌همه عجیبی در سالن زندان به پا شده بود. امین ادامه می‌دهد: «اصلاً نمی‌دانم چه شد که قدرت ما در آن لحظات چندین برابر شده بود و همگی به فکر فرار افتاده بودیم. پس از دقایقی همه جمع شدند و با آن نیروی عظیمی که برای فرار در ما شکل گرفته بود، دیوار کنار در نرده‌ای را با هر زحمتی که بود خراب کردیم. هیچ مقاومت و مانعی را احساس نمی‌کردیم. هیچ چیز جلودارمان نبود. آن لحظه فقط به فکر خانواده‌هایمان بودیم. بالاخره توانستیم از زندان خارج شویم. همه به سوی جاده می‌دویدیم. ماشینی نبود. نمی‌دانم چقدر زمان طی شد؛ اما خیلی زود دوان‌دوان به میدان بیرون شهر بم رسیدیم. جمعیت بالای زندانی‌ها تقریباً پراکنده شده بود و حالا ما ۱۰، ۱۱ نفر بودیم. دور میدان یک وانت آمد و جلویش را گرفتیم. همه پریدیم بالای وانت و ما را تا میدان فرمانداری برد. هوا روشن شده بود و یک ساعتی از زلزله گذشته بود. خانه ما نزدیک خانه پدر لیلا بود. کوچه بغل پمپ‌بنزین قدیم شهر بم. از میدان فرمانداری تا آنجا که یک کیلومتر فاصله دارد، هرچه توان داشتیم به پاهایم دادم. انگار بین من و حریف خیالی مسابقه بود. می‌دویدم و گریه می‌کردم. با دیدن ساختمان‌های سالم سرعتم کم می‌شد و با دیدن آنها که خراب شده بودند، شتاب می‌گرفتم. با همین ترس و امید بالاخره به کوچه رسیدم. همان اول کوچه که محله را دیدیم، از بهت خشکم زد و ناگهان زمین و زمان متوقف، همه جا ساکت و سوت ظرفی در گوشم شنیدم و چشمانم

تار شد. خوابی که شب قبل دیده بودم، حالا تعبیر شده بود.»

لالایی بخوان پدر

شنبه ۶ دی ۸۲، امین جنازه‌ها را به بهشت زهرای بروات منتقل کرده و سه قبر برای لیلا و علی‌اکبر و قاسم کنده تا جگر گوشه‌هایش را به خاک بسپارد. به یاد آخرین ملاقاتش با پسرها در زندان، جسد هر دو را روی دوش می‌گذارد تا با آنها در قبرستان قدمی بزند. با آنها صحبت می‌کند و از روزهای خوب ازدست‌رفته می‌گوید. سرگرم بچه‌هاست. فردی به قصد کمک به سمتش می‌رود تا بچه‌ها را از او بگیرد؛ اما امین با عصبانیت او را پس می‌زند. دارد برای آنها لالایی می‌خواند و حالا خواب‌شان برده. «دیدم یک وانت پر از خبرنگار و عکاس کنار من ایستاد. یکی از آنها سراغ من آمد و تمام مدت در کنار من بود. سرگرم پسرها و لیلا بودم و دیگر نفهمیدم چه شد. سال‌ها بعد به من گفتند عکسی از من و علی‌اکبر و قاسم گرفته که معروف شده است. مردم می‌گفتند خاتمی هم که رئیس‌جمهور بود، عکس را در نمایشگاه دیده و گریه کرده.»

امین از ازدواج مجددش بعد از زلزله می‌گوید: «خلا نبودن لیلا و پسرها را با هیچ چیز نمی‌توانستم پر کنم. بارها به فکر خودکشی افتادم؛ اما از قهر خدا ترسیدم. من آزادی داشتم و از زندان بیرون بودم؛ اما انگار در زندان بزرگ‌تری افتاده بودم. یک زندانی بی‌ملاقاتی! چادری لب‌خیابان زده بودم و با ته‌مانده‌های وسایل خانه که از زیر آوار جمع کرده بودم، روزگار می‌گذراندم. خیلی‌ها به من ایراد می‌گرفتند که چرا می‌خواهی قبل از سالگرد لیلا ازدواج کنی؛ اما شش ماه گذشته بود و آنها از حال من خبر نداشتند. من فقط در کنار خانواده می‌توانستم به زندگی ادامه دهم. مادرم با ازدواج‌ها با نرگس مخالف بود؛ اما هر طور که بود، با نرگس که مثل خودم زجرکشیده و صبور بود، ازدواج کردم. حالا دو دختر و یک پسر به نام‌های رومینا، مبینا و مبین دارم. دخترها در سن پایین ازدواج کرده‌اند؛ اما زندگی سختی دارند و در یک روستا نزدیکی رفسنجان با مادرشان زندگی می‌کنند. پسر مبین ۱۵ سال بیشتر ندارد؛ اما در شهر دیگری برای یک مغازه شاگردی می‌کند. نرگس تحت پوشش جایی نیست. چندین سال است که ندیدم‌شان. نمی‌دانم چرا حکمی که چندین سال قبل از آن تربه شدم، دوباره به جریان افتاده و به زندان من اضافه شده؟ تقاضای ادغام احکام را هم مدت‌هاست که داده‌ام؛ اما کارها پیش نمی‌رود. کسی را ندارم. هیچ‌کس پیگیر کارم نیست. از ۹۱ که زندانی شدم تا الان مرخصی نرفته‌ام. حتی کسی حاضر نیست برایم وثیقه بگذارد تا به مرخصی بروم و خودم پیگیر کارهایم بشوم و خانواده‌ام را ببینم. نرگس و فرزندانم که اوضاعی ندارند. اگر کارهایم درست نشود تا ۳۰ سال دیگر باید در زندان بمانم. پسر و دخترانم بیرون از زندان زندگی سختی دارند و دوست داشتم کنارشان باشم. ضمن اینکه به رأفت اسلامی و عفو هم امیدوارم. هم شیمانم، هم پریشان. بله، کار آن عکاس مهم بود و عکس من و دو پسر عزیزم هم معروف شد؛ اما خب چه فایده؟! حکایت من و لیلا و علی‌اکبر و قاسم حکایت همان آهنگ گل‌پونه‌های همشهری‌ام بسطامی است که می‌خواند: گل‌پونه‌های وحشی دشت امیدم ... وقت سحر شد ...

فردایی دگر شد ... من مانده‌ام تنهای تنها.»

در روزگاری که «پدربودن» به یکی از سخت‌ترین کارها تبدیل شده، امین موفق که صحنه خداحفاظی او با پسرانش یکی از قاب‌های تاریخی این کشور شد و کمک‌های فراوانی را به ده‌ها هزار داغ‌دیده زلزله رساند، می‌خواهد همچنان پدری برای رومینا، مبین و مبینا و همسری برای نرگس باشد.



این راه ادامه دارد...



شهید حاج سید سلیمان

سومین سالگرد شهادت سردار بزرگ اسلام
شهید حاج قاسم سلیمانی
تسلیت باد

1 گروه مسکن و ساختمان بهار 1

جشنواره سالانه مجموعه بزرگ و نفیس فرش و سبل شیخ صفی اصفهان

۳۰ قسط - بدون سود - ۱۲ قسط واقعی

بیم، ابتدای بلوار امام روبروی تیپ ۰۹۱۳۳۹۸۷۲۸۰

